

نقش طایفه شیعه بنی کعب در رویدادهای خلیج فارس

دکتر عباس سرافرازی^۱

چکیده

طایفه بنی کعب از طوایف شیعه در خوزستان ایران و در نواحی حاشیه غربی خلیج فارس می‌باشند که از دوره صفویه با توجه به اینکه شیعه بودند از ناحیه حفرالباطن میان حجاز و عراق در دوره شاه عباس اول صفوی به ایران وارد شدند شاه عباس قصد داشت از وجود آنان در مقابل عثمانیان استفاده نماید، این طایفه به صورت پراکنده با حکومت‌های صفوی، افشاریه، زندیه و قاجاریه همکاری داشتند، تا پیش از جنگ اول جهانی انگلیسی‌ها سعی در حفظ روابط خود با کعبیان داشتند اما پس از جنگ جهانی سیاست‌های آنان تغییر یافت و در منطقه خلیج فارس در صدد تقویت دو قدرت و نیرو برآمدند، رضاخان در ایران و آل سعود و وهابیت در عربستان به این خاطر آنان در نظر داشتند برخی از دوستان و متحدان قدیمی خود را در راستای منافع بلند مدت خود کنار بگذارند و چون رضا خان ابزار خوبی برای اهداف آنان بود، دست وی را در حذف شیخ خزعل بنی کعب باز گذاشتند، برخی از مسائل مذهبی مانند قیام "سید جابر" از کعبیان در جریان جنگ جهانی علیه سلطه بریتانیا و حمایت شیخ خزعل از احمد شاه قاجار و ارتباط وی با جناح روحانیت ضد استعمار انگلیس مانند سید حسن مدرس و ارتباط و مکاتبات شیخ خزعل با علمای عراق و همچنین نظر مساعد انگلیس برای حمایت از وهابیت هم بریتانیا را برای خلع شیخ خزعل بیشتر نمود و بایستی گفت تمایل آنان به روی کار آمدن یک حکومت غیردینی در ایران بود، رضاشاه با حمله به خوزستان حاکمیت ایران را بر خلیج فارس ضعیف ساخت و با تضعیف خاندان‌های شیعی امکان توسعه و فعالیت‌های وهابیت را فراهم ساخت.

واژه‌های کلیدی: طایفه بنی کعب، خلیج فارس، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه، پهلوی.

مقدمه

بنی کعب از طوایف شیعه بودند که در ناحیه حفرالباطن بین حجاز و عراق از قدیم الایام ساکن بودند اما بر اثر قحط سالی به العماره در عراق مهاجرت کردند (خالدی، ۱۳۷۳: ۲/ ۳۹) کعبیان ساکن در خوزستان به روایتی از نسل عقیل بن کعب بن ربیع می‌باشند (کحاله، ۱۴۱۲هـ: ۳ / ۹۸۵) برخی بنی کعب را از بنی خفاجه و از فرزندان کعب بن خفاجه بن عمرو بن عقیل (ابن حزم، ۱۲۸۲هـ: ۲ /

۱- دانشیار تاریخ، هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، b.sarafrazi@um.ac.ir

۲۹۱) برادر حضرت علی (ع) دانسته‌اند. آنان بایستی در دوره حکومت شاه عباس اول صفوی به خوزستان وارد شده باشند (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۳۰/۱) مسلم است که دعوت از آنان در مقابله با عثمانیان در نواحی جنوبی و ساحلی خلیج فارس بوده است به همین خاطر شاه عباس دست آنان را باز گذاشت و آنان خرمشهر و دهانه بهمنشیر را تصرف کردند شاه عباس در پایان دوره سلطنت خویش و بعد از آنکه بغداد و عراق را از عثمانیان گرفت، امامقلی خان (فاتح هرمز) و سردار ناحیه گرمسیرات و فارس را برای جنگ با علی پاشا به ناحیه بصره فرستاد، در زمان این لشکرکشی کعبیان از متصرفات خویش در ناحیه هویزه بیرون رفتند و خراجگزار پادشاه ایران شدند، در دوران پایانی حکومت صفویان به خاطر اینکه بر اثر انعقاد قرارداد قصرشیرین (زهاب ۱۰۴۹ هـ) به مدت طولانی جنگی بین ایران و عثمانی واقع نگردید نواحی جنوب عراق و خوزستان تقریباً به حال خود رها شده بودند و قبایل عرب در این نواحی به صورت خود مختار زندگی می‌کردند تا سال ۱۱۳۵ هـ که صفویان سقوط کردند چهار نفر از بنی‌کعب در خوزستان حاکمیت داشتند این دوره طولانی حاکمیت نشان از آن دارد که، صفویان به اطاعت ظاهری طایفه بنی‌کعب بسنده کرده بودند و چون کنترل آن نواحی به خاطر وضعیت خاص جوی و جغرافیایی کم‌تر امکان‌پذیر بود منطقه را به صورت نیمه خود مختار به بنی‌کعب واگذار کرده بودند و بنی‌کعب به خاطر اینکه شیعه بودند از صفویان همچنان اطاعت داشتند، آنان در دوره پس از سقوط صفویه و استیلای افغانه بر اصفهان و عثمانیان بر نواحی غربی ایران خوزستان را در اختیار داشتند.

نقش طایفه بنی‌کعب در رویدادهای خلیج فارس پس از دوره صفوی

در دوره نادرشاه افشار کعبیان از وی اطاعت داشتند اما پس از قتل نادر آنان حکومت گسترده‌ای را به وجود آوردند و شیخ سلیمان بنی‌کعب از هندوستان در فارس تا آن سوی اروند رود را در اختیار خود داشت و روستای فلاحیه را تبدیل به شهر نمود و برج و بارو برگرد آن کشید و مرکز حکومت خود قرار داد، یکی از بهترین ایام فرمانروایی بنی‌کعب در خوزستان همین دوره است که آنان از فروش خرما و تسلط بر قسمت‌های غربی خلیج فارس و رودخانه کارون و تجارت زمینی و دریایی در آمد قابل ملاحظه‌ای داشتند و از دولت‌های ایران و عثمانی اطاعت نداشتند این دوره ده‌ساله از قتل نادر تا روی کار آمدن کریم خان زند ادامه یافت.

در دوران سلطنت نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰) با توجه به شورش محمد خان بلوچ و گرفتاری‌های نادر و اینکه شایع شده بود نادر در جنگ با عثمانی‌ها کشته شده است بنی‌کعب نیز مانند برخی طوایف دیگر در صدد برآمدن از موقعیت به دست آمده استفاده کنند و برای خود مناطقی را تصرف نمایند بنابراین نواحی دوروق و سواحل رودخانه جراحی را غارت کردند (پری، ۱۳۶۵: ۲۳۵) نادر

لشکر به خوزستان جهت سرکوب محمد خان بلوچ فرستاد و محمد حسین خان قاجار را برای گوشمالی آل کثیر و بنی کعب اعزام نمود و از این زمان طایفه بنی کعب به طور کامل وابسته به ایران شدند و تا پایان حکومت نادر اطاعت داشتند، بعد از قتل نادر، بنی کعب به شهرهای دیگری در خوزستان دست یافتند تا آنجا که قلمرو آنان از هندیجان در سرحد فارس تا آن سوی شط العرب گسترش یافت (کسروی، ۱۳۶۲: ۱۳۸).

در دوره فروپاشی دو حکومت صفوی و افشاریه، کعبیان توانستند خوزستان را حفظ نمایند، کسروی عنوان می‌کند پس از نادرشاه "شیخ سلمان" (سلیمان بنی کعب) قبایلی را مأمور حفظ مناطق به دست آمده کرد، از جمله طایفه آلبو کاسب که از شاخه‌های بنی کعب بودند مأموریت حفظ مناطق به دست آمده را برعهده داشتند آنان دست راست کارون تا روستای "کردلان" را در اختیار داشتند و شهر و ناحیه خرمشهر را در اختیار گرفتند، شیخ سلیمان روستای فلاحیه (شادگان) را مرکز حکومت خود قرار داد، وابستگی که طایفه بنی کعب به علت شیعه بودن تمایل به دولت مرکزی ایران داشتند باعث شد که در دوره صفوی، افشاری و زندیه از دولت مرکزی ایران اطاعت داشته باشند، با توجه به افول قدرت خاندان مشعشعیان در خوزستان شیخ سلیمان بنی کعب توانسته بود کنترل نواحی دریایی و خلیج فارس و نواحی پس کرانه‌ای خلیج را به دست گیرد، در سالهای ۱۱۷۰ هـ / ۱۷۶۱ م به بعد درگیری‌هایی بین نیروهای کریم خان زند و شیخ سلیمان به وقوع پیوست در این زمان به علت گرفتاری‌های کریم خان در نواحی دیگر شیخ سلیمان در ۱۱۷۵ هـ / ۱۷۶۱ م برای جنگ با شیخ سلیمان به خوزستان لشکر کشید اما بین آنان صلح به وجود آمد شیخ سلیمان توسط میرزا محمد علی خان صدر الممالک از کریم خان تقاضای عفو و بخشش کرد و از وی خواست که اگر به آن نواحی بازگردد اعراب بنی کعب فرمانبردار خواهند بود نظر به اینکه وی شیعه بود کریم خان از این پیام استقبال کرد (ورهرام، ۱۳۶۶: ۶۴).

شیخ سلیمان پسر خود را به عنوان گروگان به نزد کریم خان زند فرستاد و قبول کرد سالیانه مبلغ سه هزار تومان به عنوان مالیات بپردازد (غفاری، ۱۳۶۹: ۳۶۵) شیخ سلیمان مانع تردد کشتی‌های انگلیسی‌ها به بصره شد و کمپانی هند شرقی در صدد برآمد یک جنگ آبی- خاکی را علیه کعبیان تدارک ببیند مقارن این ایام کریم خان زند طی نامه‌هایی به پاشای بغداد آنان را از هرگونه عملیات علیه کعبیان با عنوان اینکه اتباع ایران می‌باشند برحذر داشت و اقدام کعبیان کریم خان را ناچار به مداخله در امور بصره نمود (وثوقی، ۱۳۸۴: ۳۶۶).

همزمان با دوره کریم خان زند نواحی غرب خلیج فارس نقطه برخورد نیروهای مختلف بود، طوایف میر مهنا و بنی کعب، عثمانیان، دولت ایران و در نهایت انگلیسی‌ها در مسائل خلیج فارس دخالت داشتند، انگلیسی‌ها نمایندگی‌های تجاری خود را از بندر عباس به بندر بوشهر منتقل کردند و این

بندر مرکز فعالیت انگلیسی‌ها در خلیج فارس گردیده بود با اینکه ابتدا حجم بازرگانی انگلیسی‌ها به ایران بسیار کم بود و فقط سالی یک کشتی از بمبئی به ایران می‌آمد و تا مدت‌ها حتی شرکت هند شرقی در تجارت با ایران ضرر می‌داد، اما به واسطه اهمیتی که انگلیسی‌ها به برقراری نفوذ و سیادت خود در خلیج فارس قائل بودند به کار خود ادامه دادند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۱۸۴).

به طور عمده انگلیسی‌ها از دوره کریم خان زند تلاش گسترده‌ای را برای دستیابی کامل بر خلیج فارس را آغاز کرده بودند آنان در صدد بودند با استفاده از ایجاد اختلاف بین دولت‌ها و طوایف به تضعیف نیروهای بومی و محلی در خلیج فارس افزوده و امکان تسلط خود را فراهم سازند به هر صورت در سال ۱۱۸۲ هـ / ۱۷۶۸ م با مرگ شیخ سلیمان و تضعیف میر مهنای بندرریگی و کشته شدن وی مسائل تا اندازه‌ای فروکش کرد، جان پری عنوان می‌کند پایان کار شیخ سلیمان و میر مهنای پایان امپراطوری متکی به قدرت فردی رهبران بنی‌کعب و آل زعاب بود (پری، ۱۳۶۸: ۲۴۰).

پس از شیخ سلیمان با توجه به روابط صمیمانه وی با کریم خان دو فرزند وی به نام‌های شیخ غانم و شیخ برکات روابط حسنه خود را با کریم خان حفظ کردند، اعراب بنی‌کعب در حمله به شهر بصره با نیروهای زندیه همکاری می‌کردند، انگلیسی‌ها در نبرد بصره خدعه و نیرنگ خود را نشان دادند با اینکه اعلام بی طرفی کرده بودند با دخالت مستقیم در جنگ نیروهای ایران را در موقعیت ویژه‌ای قرار دادند واکنش کمپانی هند شرقی و نقشی که در جنگ بصره آفریدند نشانگر سیاست‌های دوگانه کمپانی هند شرقی در خلیج فارس و تغییر سیاست‌های کلان آنها بود گرچه بصره توسط نیروها زندی فتح شد اما فتح بصره یک پیروزی نظامی موقت به شمار می‌رفت که نتایج آن چندان به نفع تجارت دریایی ایران در خلیج فارس نبودند و با فوت کریم خان موقعیت جدیدی به وجود آورد.

نقش طایفه بنی‌کعب در خلیج فارس دوره قاجاریه

روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار تأثیر آنی و مهمی بر اقتصاد خلیج فارس گذاشت، آل کعب بصره تا دروق را در اختیار داشتند در این زمان مسائل مهمی در ایران و جهان اتفاق افتاد که در روند اقتصادی خلیج فارس تأثیرگذار بود، عصر رقابت‌های استعماری در خلیج فارس آغاز شد، از این زمان خلیج فارس کاملاً در معرکه حوادث سیاسی واقع گردید، انگلیسی‌ها در صدد تثبیت موقعیت خود در خلیج فارس قرار گرفتند فرقه جدیدی به نام وهابیت در کرانه‌های خلیج فارس در حال قدرت‌گیری بود، برای درک بهتر وضعیت خلیج فارس در این زمان باید به حوادثی که در سطح اروپا و جهان در حال شکل‌گیری بود توجه داشت، رقابت‌های مستعمراتی بین انگلستان و فرانسه و فتح مصر توسط ناپلئون باعث شد سیاست نزدیک شدن آنان به خلیج فارس دنبال شود،

اتحاد ایران و فرانسه می‌توانست موقعیت انگلستان را در خلیج فارس با خطر جدی روبرو سازد ناوگان فرانسه در صورت حمله دریایی به هندوستان می‌توانست از خلیج فارس و بنادر ایران استفاده نماید در این چنین موقعیتی خلیج فارس در درجه بالایی از اهمیت قرار گرفت انگلیسی‌ها که در صدد حفظ هندوستان بودند می‌بایست خلیج فارس را در اختیار می‌داشتند و حکومت‌های دست‌نشانده در شرق ایران تشکیل می‌دادند بنا براین بحث تجزیه سیستان و بلوچستان و هرات را دنبال کردند انگلیسی‌ها در این زمان در صدد برآمدن از تمامی ابزارها و وسایل خود برای ایجاد مشکل برای دولت ایران استفاده کنند با راه‌اندازی جنگ‌های ایران و روسیه، ایجاد مشکلات در خراسان و شرق ایران، راه‌اندازی جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی نظیر تحریک آقاخان محلاتی و اسماعیلیه و تشکیل فرقه بهائیت و حمایت از وهابیون ایران را گرفتار نمودند، بحث وهابیون و نفوذ آنان در خلیج فارس تأثیر مهمی در تجارت بین النهرین و خلیج فارس گذاشت به طوری‌که ایران، عثمانی و پاشای مصر از این امر نگران شدند فتحعلی شاه به علت گرفتاری در جنگ‌های ایران و روسیه نتوانست در این حوادث تأثیر بگذارد انگلیسی‌ها در این زمان به شدت تمامی هم و غم خود را صرف توجه به مسائل خلیج فارس داشتند آنان در صدد جلوگیری از نفوذ عثمانی و ایران در میان قبایل عرب و به وجود آوردن شرایط جدید برای تقویت تضادهای منطقه‌ای به ویژه بین حکومت ایران، قبایل عرب، عثمانیان و وهابیون بودند آنان با حمایت از قبایل عرب می‌خواستند آنان را به خود وابسته سازند (وثوقی، ۱۳۸۴: ۳۹۸).

ارتباط رسمی‌تر طایفه بنی کعب با دولت مرکزی ایران در دوره قاجار از سال ۱۸۳۷ م آغاز شد در این سال نیروهای عثمانی محمره (خرمشهر) را در دهانه خلیج فارس غارت کردن و در این گیرودار بود که رئیس طایفه به نام محسین شیخ جابرخان از دولت ایران استوداد نمود و از آن پس عنوان رسمی حاکم را از جانب دولت ایران داشت (کرزن، ۱۳۶۷: ۳۹۴/۲).

بریتانیا در صدد بود با عنوان مبارزه با دزدان خلیج و تحت عنوان مبارزه با برده داری و جلوگیری از قاچاق اسلحه و ادعای برقراری امنیت در خلیج فارس طوایف مختلف عرب را زیر سلطه خود در آورد انگلستان در صدد بود با طوایف مختلف عرب هرکدام به صورت جداگانه قراردادهایی منعقد نماید و به این وسیله حق نظارت خود را در خلیج فارس مشروعیت بخشد، رویدادهای دوره اول حکومت قاجار که از آقامحمد خان تا دوره ناصری است نشان می‌دهد روز به روز قدرت ایران در خلیج فارس کاهش پیدا می‌کند، قبایل ساکن در خلیج فارس صاحب نفوذ و قدرت بیشتری شدند، امام مسقط و وهابی‌ها و طایفه قواسم دارای قدرت بیشتری شدند.

در پایان دوره قاجاریه به خاطر ایجاد شرکت‌های کشتیرانی و حمل و نقل مانند شرکت ونکهاوس، شرکت لینچ و شرکت نصیری تجارت اروپائیان در خلیج فارس به نهایت و اوج خود رسید، ایجاد

خطوط تلگراف که از دوره ناصرالدین شاه قاجار شکل گرفت و حفاظت از خطوط تلگراف و کابل‌های دریایی و خط زمینی از جنوب ایران به فاو و بصره می‌رفت و در نهایت کشف نخستین چاه نفتی در ژانویه ۱۳۲۶هـ / ۱۹۰۸ باعث تحولات زیادی در خلیج فارس شد، کشف نفت شرایط ویژه‌ای را به وجود آورد، ایجاد ارتباط مستقیم با شیوخ عرب خلیج فارس در دستور کار انگلیسی‌ها قرار گرفت، آنان در صدد تحریک و تشویق عشایر جنوب به منظور نا امن کردن فارس و خوزستان و خلیج فارس برآمدند، شورش‌هایی به راه افتاد که هدف مشغول نمودن دولت ایران بود از این شورش‌ها به عنوان اهرم فشار علیه دولت ایران استفاده شد، تشویق شیوخ عرب خلیج فارس برای پرهیز از مذاکرات مستقیم با ایران و برقراری روابط دوجانبه با آنان و حمایت از روسای طوایف و عشایر از سیاست‌های دیگر انگلیسی‌ها در خلیج فارس بود.

از اعراب بنی‌کعب جابرخان به مدت ۳۵ سال در خوزستان حاکمیت داشت و تابع حکومت ایران بود او به "دولتخواه" شهرت یافته بود (انصاری، ۱۳۷۷: ۶۰) در سال ۱۲۷۳ هـ در جنگ محمره (خرمشهر) به نفع دولت ایران در مقابله بیگانگان جنگید اما در نهایت انگلیسی‌ها وی را متمایل به خود ساختند و در نهان به آنها نزدیک شد (کسروی، ۱۳۶۲: ۱۸۶) وی دارای دو فرزند بود به نام‌های مزعل و محمدخزل که مزعل در سال ۱۲۹۹ هـ با حدود پنج هزار نیروی مسلح خود از مقامات دولتی خوزستان و نجم الدوله که از جانب ناصرالدین شاه قاجار برای مأموریتی به خوزستان سفر کرده بود استقبال کرد (نجم الدوله، ۱۳۴۱: ۸۰) مزعل در سال ۱۳۱۵ هـ دو سال پس از قتل ناصرالدین شاه، توسط برادر خود خزل در کشتی کوچکی که در آن بیتوته کرده بود به قتل رسید (بهار، ۱۳۶۳: ۱۴۴/۲).

خلیج فارس و طایفه بنی‌کعب در دوره پهلوی

روی کارآمدن شیخ خزل مسائل خلیج فارس را وارد عصر جدیدی نمود او مردی با هوش و سیاسی و بالنسبه محیل بود در اندک مدتی خوزستان را اختیار گرفت وی در ظاهر رعیت دولت ایران بود و از دولت لقب "سردار اقدس" گرفت اما روز به روز بر قدرت خویش افزود و بر قسمت‌هایی از خلیج فارس و کرانه مسلط شد در عین حال و با تمام قدرتی که به دست آورد نسبت به دولت ایران وفادار بود و در طول مدت همجواری با دولت عثمانی و تحریکاتی که همواره در میان اعراب سرحدی از طرف عثمانیان اعمال می‌شد شیخ خزل جانب ایران را از دست نمی‌داد و دیانت تشیع او نیز مؤید وفاداری وی بود (بهار، ۱۳۶۳: ۱۴۶) وی مناسبات مفرطی نیز به خاطر نفت خوزستان با بریتانیا داشت و روابط او همواره دوستانه بود و دارای نشان مهمی از آن دولت بود.

در دوره جنگ اول جهانی بنی کعب دو گروه شدند، گروه‌هایی از آنها در سال ۱۳۱۳ هـ همراه قبیله "باویه" در خفاجیه به مجاهدان پیوستند و گروهی به رهبری شیخ خزعل از انگلیسی‌ها حمایت کردند که به جنگ با یکدیگر پرداختند (سیادت، ۱۳۷۴: ۶۷) سیاست‌های دولت بریتانیا در قبل از جنگ جهانی و پس از جنگ بسیار متفاوت بود بریتانیا قبل از جنگ به اندیشه گریز از مرکز و جدایی طلبی روسای ایلات و عشایر و حاکمان و والیان کمک می‌کرد اما پس از جنگ با توجه به انقلاب و تحولات روسیه آنان اعتقاد به یک حکومت مقتدر مرکزی در ایران پیدا کردند و سیاست‌های آنان کاملاً در ایران متفاوت گردید، آنان با توجه به اینکه اهداف بلند مدتی را برای خود در نظر داشتند به همین علت رضا خان را ابزار خوبی برای رسیدن به خواسته‌هایشان می‌دانستند (لورین، ۱۳۶۳: ۱۹).

شیخ خزعل ارتباطات خوبی با احمد شاه قاجار و مرحوم سید حسن مدرس داشت و مخالف رضا خان و نوع به قدرت رسیدن وی بود انگلیسی‌ها از ارتباطات شیخ خزعل راضی نبودند و دیگر او را در راستای منافع خود نمی‌دیدند چون آنان به دنبال فردی بودند که بر همه ایران تسلط پیدا کند و یک سد مستحکم در مقابل نفوذ کمونیزم در ایران بسازد در ضمن آنان به دنبال افراد و خاندان‌هایی بودند که منافع بلند مدت آنان را در مناطق نفت خیز خلیج فارس و خوزستان و تمامی ایران تأمین نماید و شیخ خزعل با تمامی خدماتی که انجام داده بود نشان داد که چنین فردی نیست، انگلیسی‌ها خاندان‌های جدیدی را در ایران و عربستان در نظر داشتند بنابراین به قدرت رسیدن رضاخان و آل سعود کمک کردند. شیخ خزعل ارتباط خوبی با احمد شاه قاجار داشت و ملاقاتی بین آنان در محمره (خرمشهر) به وقوع پیوست (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳ / ۶۳۷). احمد شاه در سفر دوم خود به خوزستان "نشان اقدس" را که از نشان‌های بزرگ و مهم ایران بود را به وی هدیه داد (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۸: ۱/۱۴۴) به هر صورت سیاستی که تا آن زمان حامی شیخ خزعل بود به دلایل مختلفی از حمایت وی دست کشید مسائل دیگری نیز وجود داشت که باعث شد بریتانیا به رضا خان روی آورد از قبیل: ایجاد آرامش و امنیت در مناطق حایل بین هند و عراق (ذوقی، ۱۳۶۸: ۵۱۵) حفظ منابع نفتی و امنیت اتباع انگلیسی و پرسنل شرکت نفت، حفظ هندوستان، ایران و بین النهرین در مقابل بلشویک‌ها، به وجود آوردن یک دولت غیر مذهبی و سکولار در ایران که حافظ منافع بریتانیا باشد و مجری این طرح می‌توانست رضا خان باشد.

شیخ خزعل در واکنش به انگلیسی‌ها و رضا خان کمیته سعادت را به وجود آورد وی با برخی از سران ایل بختیاری و والی پشتکوه اتحادی به حمایت احمد شاه به وجود آورد و تلگرافی مبنی بر ضدیت با سردار سپه و لزوم دفع او و حمایت از شاه به مجلس مخابره کردند و موافقت خود را با شاه علنی ساختند، وی این کارها را در قالب شاه پرستی، طرفداری از سلطنت مشروطه و در نهایت

برای انتصاب ولیعهد قانونی ایران انجام داد(مکی، ۱۳۷۴: ۱۷۴/۳) سید حسن مدرس از حامیان این قیام و مخالف رضاخان بود(همان: ۱۸۲) پس از اینکه شیخ خزعل به مخالفت علنی با رضا خان پرداخت، نامه‌ها و تلگرافهایی به نمایندگان دولت‌های خارجی ارسال کرد که در آن‌ها سردار سپه را غاصب خوانده بود که خادمان کشور و رهبران دینی را تبعید کرده و قانون اساسی را نقض و ملت را به تباهی کشانده است وی نامه‌هایی به علمای عتبات عالیات فرستاد و ضمن ابراز مخالفت با رضا خان او را فردی غاصب خواند و خود را حامی قانون و کیفر دهنده گناهکاران و تکیه گاه دین و دولت دانست(انصاری، ۱۳۷۷: ۲۴۲) البته برخی از علما به وی جواب ندادند اما وی خطر رضاخان را گوشزد کرد در هر صورت روحانیت به دلیل آوازه تجزیه طلبی شیخ و انجام اعمالی که خلاف شرع است از او حمایت نکردند(مکی، ۱۳۷۴: ۳۱۹/۳) با اینکه مدرس از وی حمایت کرده بود و نامه‌هایی نوشته بود که خزعل را قوت قلب دهد.

از مسائل دیگری که باعث شد انگلیسی‌ها در صدد بر آید خاندان بنی‌کعب را در جنوب ایران تضعیف نمایند نقشی بود که یکی از روحانیون شیعی بنی‌کعب به نام سید جابر(رئیس المجاهدین شادگان) علیه انگلیسی‌ها در دوره جنگ جهانی انجام داد وی از خانواده مورد احترام عشایر بنی‌کعب بود که در نجف و کربلا درس خوانده بود و به درجه اجتهاد رسیده بود، زمانی که بصره توسط قوای بریتانیا تصرف شد، چون علمای شیعه عتبات عالیات در خصوص جهاد و دفاع از مرزهای اسلامی فتوایی صادر کرده بودند، شیخ جابر از خزعل خواست که به فتوای علمای دینی توجه کند، شیخ خزعل حاضر به همکاری با وی نشد، بنا براین قیام شیخ جابر علیه انگلیسی‌ها آغاز شد و عشایر بنی‌کعب از وی حمایت کردند او اول کسی بود که پرچم علیه انگلیسی‌ها در خوزستان برداشت(شویکی: ۲۲۰) با اینکه شیخ خزعل از انگلیسی‌ها حمایت کرد.

گرچه در این زمان شیخ خزعل به همکاری با انگلیسی‌ها برخاست و سید جابر حتی پیروز شد و در هفتم اسفند ۱۲۹۳ ش شهرشادگان(فلاحیه) را آزاد ساخت و سید جابر از طرف عشایر بنی‌کعب به عنوان حاکم انتخاب شد اما در نهایت مجاهدین شکست خوردند اما این قیام انگلیسی‌ها را به فکر واداشت که تمایلات مذهبی شیعی در بین بنی‌کعب حائز اهمیت است و این انسجام قومی و مذهبی باید در مقابل فرقه وهابیت که آنان در توسعه آن نقش داشتند به شکست بیانجامد بنابراین آنچه از نظرها مغفول مانده رشد تمایلات شیعی در بین قبایل عرب خوزستان بود و باتوجه به مسائل و مشکلاتی که انگلیسی‌ها قبلاً در عتبات و عراق با علمای شیعی داشته‌اند و قیام‌های شیعی عراق را برای منافع خود خطرناک می‌دانستند می‌بایست هرگونه حرکتی با تمایلات شیعی از بین می‌رفت، در این راستا تصمیم انگلیسی‌ها مبنی بر به وجود آوردن یک حکومت مقتدر و توانای مرکزی متکی بر اندیشه‌های غیر مذهبی در ایران اهمیت بیشتری می‌یافت از آنجا که شیخ خزعل با خاندان قاجار

و شخص احمد شاه ارتباط خوبی داشت و حتی بین آنها ملاقات‌هایی در خوزستان صورت پذیرفته بود و قاجارها با واسطه طایفه عرب شیعه مذهب بر منطقه جنوب استیلا داشتند و چون از نظر انگلیسی‌ها و با توجه به سیاست‌هایی که آنان دنبال می‌کردند تاریخ حاکمیت بنی‌کعب و دولت قاجار سپری شده بود و آنان سیاست‌های دیگری را در خلیج فارس دنبال می‌کردند، دست رضا خان را در لشکر کشی به خوزستان و حواشی خلیج فارس باز گذاشتند و گرنه رضا خان جرات نمی‌کرد بدون چراغ سبز انگلیسی‌ها یا به مناطق نفت خیز خوزستان بگذارد.

رضا خان با حمله به خوزستان و از بین بردن شیخ خزعل حاکمیت ایران بر منطقه خلیج فارس را تضعیف نمود او با حذف شیخ خزعل ضربه بزرگی را بر حضور تاریخی ایران بر خلیج فارس وارد ساخت رضا خان خواسته یا ناخواسته با اشتباهی که انجام داد راه نفوذ خاندان آل سعود و طرز تفکر وهابی را در کشورهای حول خلیج فراهم ساخت، راه از بین بردن خاندان آل کعب آن بود که مطرح سازند شیخ خزعل تجزیه طلب بوده و قصد جدایی خوزستان را داشته است در حالیکه اگر خزعل و اجداد وی قصد اعلام خودمختاری داشتند فرصت‌های بسیار مناسب تری را برای اعلام آن از قبل داشتند ولی به خاطر شیعه بودن هیچگاه پس از صفویه خود را جدای از ایران ندانستند شیخ خزعل هیچ گاه ادعای تجزیه طلبی نداشت گفته ملک الشعرای بهار که از سیاسیون و نویسندگان آن عهد است در خصوص شیخ خزعل حائز اهمیت است وی می‌نویسد: از شیخ خزعل با تمام قدرتی که تحصیل کرده بود، نسبت به دولت و شاهنشاهی ایران هیچ‌وقت خلاف وفاداری بروز نکرده بود و در طول مدت همجواری ما با دولت عثمانی و تحریکاتی که همواره در میان اعراب سرحدی از طرف دولت همسایه می‌شد شیخ خزعل جانب ایران را از دست نمی‌داد و دیانت او، تشیع نیز مؤید وفاداری او بود (بهار، ۱۳۶۳: ۱۴۶).

نتیجه

طایفه بنی‌کعب از طوایف شیعه عرب بودند که از دوره صفویه به خدمت پادشاهان صفوی درآمدند و به خوزستان نقل مکان کردند و ساکن شدند شاه عباس صفوی با انتقال آنان نواحی مهمی را در خلیج فارس به آنان سپرد وی این عمل را به آن خاطر انجام داد که از وجود آنان در مقابل عثمانیان در منطقه خلیج فارس استفاده نماید، این طایفه با فراز و نشیب‌هایی ارتباط و اطاعت خود را از دولت مرکزی ایران داشتند و به خاطر شیعه بودن دولت مرکزی به آنان توجه داشت از زمانی که انگلیسی‌ها در خلیج فارس فعال شدند مسائل جدیدی به وجود آمد حوادث و حرکت‌های ضداستعمار انگلیسی در عراق باعث گردید آنان در صدد برآیند با حمایت از فرقه‌هایی مانند وهابیت جای پای آنان را در خلیج فارس محکم سازند و به این خاطر سیاست تضعیف طوایف

شیعی منطقه توسط انگلیسی‌ها دنبال گردید و رضا خان با سیاست اشتباه خود در بر انداختن طایفه بنی‌کعب باعث تضعیف نفوذ ایران در خلیج فارس شد و فرصت خوبی برای فعالیت سعودی‌ها در خلیج فارس و طوایف عرب منطقه فراهم ساخت در حالیکه طایفه بنی‌کعب همیشه نسبت به دولت مرکزی ایران وفادار بودند با عنوان تجزیه طلب ضعیف گردیدند.

منابع

- ابن حزم (۱۳۸۲/۱۹۶۲)، جمهره الانساب العرب، ج ۱، چاپ عبدالسلام محمدهارون، قاهره، مصر.
- انصاری، مصطفی (۱۳۷۷)، تاریخ خوزستان (۱۸۷۸-۱۹۲۵) دوره شیخ خزعل، ترجمه محمد جواهرکلام، تهران.
- خالدی، عبود (۱۳۷۳)، سیره قبائل عرب ایران فی خوزستان، ج ۲، قم.
- بهار، ملک الشعرا (۱۳۶۳)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی انقراض قاجار، ج ۲، انتشارات امیرکبیر.
- پری، جان. ر (۱۳۶۸)، کریم خان زند، ترجمه محمدساک، انتشارات آسونه، تهران.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ، ج ۱، انتشارات پاژنگ، تهران.
- سیادت، موسی (۱۳۷۴)، تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان، ج ۱، تهران، انتشارات سهند.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۶۸)، سیمای احمدشاه قاجار، ج ۱، انتشارات نشر گفتار، تهران.
- شوپکی، علوان بن عبدالله (بی تا) خلاصه التاریخ کعب، نسخه خطی با نام تاریخ کعب یا الامارة الکعبیه فی القبان و الفلاحیه.
- کحاله، عمر رضا (۱۴۱۲ / ۱۹۸۲)، معجم قبائل العرب القدیمة والحدیثة، ج ۳، ۱۴۱۲.
- کرزن (۱۳۶۷)، ایران و قضیه ایران، ج ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ پانصد ساله خوزستان، انتشارات گوتنبرگ.
- لورین، سرپرسی (۱۳۶۳)، شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان، ترجمه محمد مهدی رفیعی مهرآبادی، انتشارات فلسفه، تهران.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات زرین.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجاریه، چاپ ۳، انتشارات زوار.
- مکی، حسین (۱۳۷۴)، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۴، انتشارات علمی، تهران.
- نجم الدوله، عبدالغفار بن علی محمدنجم الدوله (۱۳۴۱)، سفرنامه خوزستان، ج ۱، چاپ محمد سیاقی، تهران.
- وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۴)، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۶)، تاریخ ساسی و اجتماعی ایران در عصر زندیه، مؤسسه انتشارات معین
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، امیرکبیر.

